

# ۱۹ بهمن

سیاهکل فریاد "مرگ بر امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته" و تمامی رژیمهای حافظ این نظام در هر شکل و هیات است. سیاهکل فریاد "زنده باد انقلاب، زنده باد کمونیسم" است. سیاهکل انبیا بطلان و سترونی "رفریمسم" و "افسانه اصلاح طلبی" در شرایط دیکتاتوری بورژوازی وابسته است. سیاهکل مبلغ ضرورت شکل طبقه کارگر به عنوان پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست و ضد سرمایه داری، و اعمال رهبری آن بعنوان شرط پیروزی انقلاب مردم ما و نیل به آزادی و دموکراسی واقعی است!

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۵۱ - ۱۵ بهمن ۱۳۸۵

## آن که می گفت

### حرکت فرد در این وادی خاموش و سیاه

### برود شرم کند!...

"شاهنشاهی" از یک سو و سازش ها و خیانتها مکرر رهبران حزب توده در جنبش توده ای از سوی دیگر، به چنان وضعی دچار شده بودند که در چارچوب آن "قدرت" دشمن و "ضعف" خویش را "مطلق" و هر گونه مبارزه برای تغییر نظم ضد خلقی موجود را امکان ناپذیر می دانستند. در چنین شرایطی، رزمندگان سیاهکل، این پاکترین و

تاریخ خونین مبارزاتی کارگران و خلقهای تحت ستم ما بر علیه امپریالیسم و نظام بورژوازی وابسته به آن در ایران، مملو از صفحات سرخی ست که در هر یک از آنها شرح فداکاریها و جانبازیهای بی نظیر انقلابیون و توده های به پا خاسته برای نیل به آزادی و برابری نگاشته شده است. بدون شک رستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ و قیام پرشکوه توده ای در ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ از برجسته ترین و گرانقدر ترین صفحات جاودان این تاریخ پر فراز و نشیب می باشند. به اعتبار همین واقعیت است که برغم تمامی تلاشها و دسائس دشمنان مردم، این رویدادها هیچگاه از خاطر توده های محروم و آگاه زدوده نشده و منبعی پایان ناپذیر از تجربه و افتخار را برای نسل آن دوره و نسل های آتی بجای گذارده است.

در ۱۹ بهمن سال ۴۹ صفیر آتشین گلوله های رزمندگان سیاهکل در جنگلهای شمال نوید بخش آغاز مبارزه ای نوین و رهایی بخش برای کارگران و خلقهای تحت ستم بود. توده های تحت ستمی که در اثر سالها تازیانه رعب و وحشت مزدور

که ناشی از سالها کار مداوم و خستگی ناپذیر تنوریک گروه آنان بود و با وثیقه گذاشتن جان های شیفته خویش برای عملی کردن وظایفی که آن تئوری در مقابلشان می گذاشت، سلاح بدست گرفتند. آنان با حمله به پاسگاه سیاهکل در جنگلهای شمال در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح شوریدند و در حالیکه از محتوم بودن مرگ خود در آن نبرد نابرابر آگاه بودند، با اطمینان از حقانیت و پیروزی نهایی "راهی" که مرگ آنان در جامعه تحت سلطه ما می گشود بی هیچ دریغی آن را پذیرفتند. چرا که می دانستند حرکت آنان، دمیدن روحی

**گرامی باد یاد جاوید رزمندگان سیاهکل، چریکهای فدایی خلق، رفقا؛ علی اکبر صفانی فراهانی، هوشنگ نیری، محمد هادی فاضلی، اسماعیل معینی عراقی، غفور حسن پور اصیل، ناصر سیف دلیل صفانی، عباس دانش بهزادی، اسکندر رحیمی، محمد علی محدث قند چا، شعاع الدین مشیدی، مهدی اسحاقی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمد رحیم سمائی و هادی بنده خدا لنگرودی**

شجاع ترین فرزندان کارگران و زحمتکشان، به پشتوانه تحلیل مارکسیستی (تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک نه تنها به مثابه تئوری انقلاب ایران بلکه به مثابه تنها راه در هم شکستن بن بست مبارزاتی موجود و کشاندن توده ها به عرصه مبارزه)، تحلیلی

**جاودان باد یاد عزیز کارگران و توده های مسلح به پا خاسته در جریان قیام پرشکوه بهمن ماه سال ۷۷ که دوشادوش رزمندگان چریک فدایی و مجاهد خلق با حمله به مراکز سرکوب ستمشاهی، بساط ۳۵۰۰ ساله حکومت آمریکایی شاه مزدور را برای نیل به آزادی برانداختند و جان خود را در این راه فدا نمودند!**

جامعه تحت سلطه ما را درنوردید. سیاهکل زمزمه امواج نوین انقلابی و فریاد مرگ رژیم مزدور شاه و دیکتاتوری امپریالیستی بود. این زمزمه با سرعتی شگفت انگیز به آهنگ مبارزاتی پرشوری بر لبان توده های تحت ستم تبدیل شد که به ندای پیشروان کمونیست خود یعنی رزمندگان سیاهکل پاسخ دادند و با دیدن افقی که مبارزه دلاورانه آنها در جامعه بهتان زده و مختنق ما گشوده بود پای در راه نوین گذاردند. رزمندگان سیاهکل با ایمان به پیروزی راهشان یا در صحنه مبارزه و یا در میدان های اعدام یا سری افراشته فرو افتادند؛ اما پیام مبارزاتی آنها سر بر کشید. دیگر برای دشمن بسیار دیر شده بود. سیاهکل به آتشفشانی بدل شده بود که کینه فروخته توده های تحت ستم بر علیه نظم ضد خلقی موجود را سرریز و دریایی از گدازه های سوزان را برای نابودی ستمگران جاری ساخت. سیاهکل الهام بخش شاعران و نویسندگان مردمی و پیام آن بر بالهای پرنده اشعار و داستانهای آنها به اعماق جامعه پرگشود؛ سیاهکل ترانه ای شد بر لبان کارگران و دهقانان و دانشجویان و روشنفکرانی که طلسم قدرقدرتی شاهان در ذهن آنان شکسته بود. نقبی که کمونیستهای رزمنده در سیاهکل به قدرت تاریخی کارگران و زحمتکشان زدند بتدریج نیروی بنیان برافکن مبارزاتی آنان را در سطح

بقیه در صفحه ۴



## آن که می گفت حرکت مُرد....

(ادامه از صفحه ۱)

جامعه سرازیر ساخت. جامعه به چریکهای فدایی خلق ایران نیرو داد و در اثر قدرت آتش آنان و فضای مبارزاتی جدیدی که در سطح جامعه تحت سلطه ما ایجاد شده بود جنبشهای خودبخودی توده ها و حرکات و اعتصابات کارگری تحرک جدیدی پیدا کردند. نسلی از کارگران آگاه و مبارز، دانشجویان، زنان، روشنفکران و ... که سترونی سایر اشکال مبارزه و کارآیی جنبش مسلحانه را در بستربرایتیک دلاورانه چریکها (و در کنار آنها مبارزین مجاهد خلق) و تجارب روزمره زندگی خود به عینه در یافته بودند به این سازمان پیوستند، تا جایی که در دهه ۵۰ این سازمان به یکی از محبوبترین و بزرگترین سازمانهای مارکسیست-لنینیستی خاور میانه بدل شد. در مقطع قیام پرشکوه بهمن ۵۷، توده های قیام کننده که با خواست آزادی و رهایی از سلطه امپریالیسم برای برافکندن نظام ضد خلقی حاکم و رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به پاخاسته بودند متاثر از مبارزات رزمندگان سپاهکل و رهروان آنها فریاد می زدند "ایران را سراسر سپاهکل می کنیم" و "وای به روزی که مسلح شویم" و "فدائی، فدائی، تو افتخار مایی" و این شعارها بروشنی از تاثیر مبارزات چریکهای فدایی خلق و نقش آنان در جنبش توده ای آن سالها خبر می داد.

امروز با وجود گذشت ۳۶ سال از حماسه سپاهکل و ۲۸ سال از قیام بهمن ۵۷، برغم آن که دشمنان مردم یعنی امپریالیستها در مقابل قیام بنیان برافکن توده ها مجبور به تغییر آرایش نیروهای خود در ایران شدند و برای منحرف کردن جنبش توده ای با فداکردن رژیم مزدور شاه، رژیم وابسته جمهوری اسلامی را بر سر کار آوردند، اما پیام و تاثیری که مبارزات رزمندگان سپاهکل در اعماق جامعه بجای گذارد، همچنان الهام بخش نسل جدیدی از جوانان مبارز و تشنه آگاهی ست. جوانانی که پس از نسل کنشی های متعدد سردمداران مزدور جمهوری اسلامی و در شرایط خفقان و سرکوبی این رژیم کوشیده تا در سطح جامعه ایجاد کند، همچنان در پاسخ به این که برای رسیدن به آزادی و دمکراسی "چه باید کرد؟" به انبان تجارب انقلابی موجود از نسل سپاهکل و ادامه دهندگان راه آنها روی می آورند. واقعیتی که باعث شده تا بخش مهمی از کار دستگاههای اطلاعاتی و آدم کنشی جمهوری اسلامی در "بخش فرهنگی" حکومت در سالهای اخیر به این امر اختصاص یابد که با کوشش درتخته شخصیت انقلابی بنیانگذاران جنبش مسلحانه و چهره های برجسته این سازمان (که در قلب توده ها جای دارند) به باصلاح نقد آثار تئوریک چریکهای فدایی خلق ایران بپردازند و با تبلیغ سراب "اصلاحات" در "بیهوده" بودن گرایش به "تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" و "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء" فریبکارانه قلم سرایی کنند. و در این راه از مساعدات و کمکهای طیف گوناگون مرتجعین، سازشکاران رنگارنگ نیز برخوردار گردند. چرا که دشمن بخوبی می داند که سپاهکل فریاد مرگ بر امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته و تمامی رژیمهای حافظ این نظام در هر شکل و هیاتی ست. سپاهکل فریاد زنده باد انقلاب، زنده باد کمونیسم است. سپاهکل اثبات بطلان و سترونی "رفرمیسم" و "افسانه اصلاح طلبی" در شرایط دیکتاتوری بورژوازی وابسته است. سپاهکل مبلغ ضرورت تشکل طبقه کارگر به عنوان پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست و ضد سرمایه داری؛ و اعمال رهبری آن بعنوان شرط پیروزی انقلاب مردم ما و نیل به آزادی و دمکراسی واقعی ست.

براستی که بدون "سپاهکل" و "قیام بهمن"، تاریخ مبارزاتی معاصر و پر افتخار طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم ما بر علیه دشمنانشان یعنی امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته، هیچگاه درخشش و فروغ امروزی را نداشت. در سالگرد این دو واقعه بزرگ تاریخی بکوشیم تا کوشنده راه رهایی بخش و سرخ رزمندگان سپاهکل و کارگران و توده های مبارز و قیام کننده ای باشیم که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ جان خود را نثار نهال آزادی و برابری و پیشرفت تاریخ کردند.

## تداوم اعتراضات کارگری

شرایط طاقت فرسایی که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالم صفت وابسته برای میلیونها تن از کارگران محروم و رنجبر در کارخانه ها و محیط های کار ایجاد کرده اند، بطور روزمره موجب جوش اعتراضات حق طلبانه جدید در گوشه و کنار کشور می گردد. عدم پرداخت دستمزد های بخور و نمیر به کارگران که گاه تا ۳-۲ سال نیز به طول می انجامد، بیگاری کشیدن از کارگران، خصوصی سازیهای پی در پی و اخراج روزمره کارگران و رها ساختن آنان و خانواده های محروم و گرسنه کارگری به دست سرنوشت، تصویب پی در پی قوانین وحشیانه جدید ضد کارگری در جهت منافع دولت و سرمایه داران وابسته و ... از جمله یاستهای ضد خلقی ای هستند که هر روز تعداد بیشتری از کارگران گرسنه و محروم و سرکوب شده را به اعتراض و طغیان می کشند.

در همین رابطه روز ۱۱ بهمن ده ها تن از کارگران کارخانه "کنف سنگر" رشت که بیش از ۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند برای پیگیری خواستهای خود در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. کارگران با توصیف گوشه ای از اوضاع هلاکتبار زندگی خویش مطرح کردند که حتی به "نان شب شان" نیز "محتاج" می باشند. اما مسئولین رژیم به جای شنیدن درد دل کارگران و رسیدگی به خواست آنان همچون همیشه نیروهای سرکوبگر را برای متفرق کردن کارگران به صحنه فرستادند و بزور اجتماع حق طلبانه آنها بر هم زدند.

در اوایل بهمن ماه نیز صد ها تن از کارگران شرکت "کیسون" که از پیمانکاران وزارت نیروی رژیم می باشند در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق دست از کار کشیده و در مقابل کارگاه این شرکت تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسئولین به خواستهایشان شدند. کارگران مطرح می کردند که با آنکه به علت عدم دریافت دستمزدهایشان "روز بروز مقروضتر" شده اند، مسئولین رژیم و کارخانه هیچ وقعی به درخواستهای عادلانه آنها نگذاشته و درخواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده را با "تصفیه حساب و اخراج کارگران" معترض می دهند. شرکت "کیسون" ۱۵۰۰ کارگر و کارمند دارد و مجری ساخت سد تلمبه ای - ذخیره ای سیاه بیشه چالوس می باشد.



پیروز باد انقلاب!

زنده باد کمونیسم!



## سهمیه بندی جنسی در دانشگاه ها. یورش جدید جمهوری اسلامی به زنان!

رژیم ضد خلقی برای مقابله با بحران اقتصادی و برای حفظ منافع سرمایه داران زالو صفت، در جریان هجوم به زندگی و کار و دستمزد طبقه کار و توده های محروم (چه مرد و چه زن)، در جریان اخراجها و بیکار سازیهای گسترده و روزمره، قوانین ارتجاعی مذهبی را به خدمت می گیرد و با اعمال وحشیانه آن به قوه زور و دیکتاتوری عریان، نخست میلیونها تن از زنان یعنی نیمی از آحاد جامعه ما را آماج قرار داده و زیر نام اسلام و قوانین اسلامی می کوشد تا بطور اولی زنان را قربانی عواقب مرگبار اقتصادی اجتماعی ناشی از بحران علاج ناپذیر نظام خویش سازد. واقعیتی که در بستر مناسبات سرکوبگرانه و ضد مردمی حاکم بخودی خود موجب رشد جنبش اعتراضی زنان برعلیه ستم و نابرابریهای ناشی از نظام حاکم شده و بطور عینی و گریز ناپذیر، دامنه جنبش زنان و صدای حق خواهانه آنها را فزونی بخشیده است. تاجایی که همه می دانند که در دوران اخیر مبارزات و جنبش زنان و بویژه زنانی که بطور روزمره چه در محیط های کار و واحد های تولیدی و چه در دانشگاه ها و محیط های آموزشی و فرهنگی به کار و فعالیت مشغولند برعلیه تمامی جوانب حاکمیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته به نحو چشمگیری توسعه یافته است. زنان تحت ستم و مبارز هر روز بیش از گذشته می کوشند تا صدای خود برعلیه ستم مضاعفی که بطور روزمره توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و نظام حاکم در محیط خانواده و در محیطهای کاربر آنان اعمال می شود، برعلیه قوانین زن ستیزانه حاکم، برعلیه پوشش اجباری، برعلیه انواع نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی؛ و بالاخره برعلیه فرهنگ پوسیده مرد سالاری رستار ساخته و مبارزات خود را هر چه بیشتر بر علیه دیکتاتوری حاکم متشکل سازند. بدون شک همانگونه که تجربه نشان داده است، شرکت گسترده تر زنان در دانشگاه ها به مثابه سنگرهای همیشگی مبارزه و مقاومت برعلیه ظلم و ستم، باعث رشد و تقویت جنبش حق خواهانه انقلابی زنان هستند.

سردمداران ضد خلقی جمهوری اسلامی می کوشند تا با تصویب طرح ضد خلقی اعمال محدودیت جنسی به ضرر زنان در امر پذیرش دانشجو در دانشگاه ها و پوشاندن آن در لفافه های ارتجاعی و مذهبی، در شرایط بحران کنونی، با اعمال فشارهای شدیدتر اقتصادی و اجتماعی بر زندگی زنان بار این بحران را هرچه بیشتر بر سر زنان خراب ساخته و در همان حال عرصه های مبارزه و مقاومت جنبش انقلابی زنان را به خیال خود هرچه محدودتر سازند. غافل از آن که همین یورش ضد خلقی بدون شک عرصه جدیدی را در مبارزات زنان آگاه و مقاوم بر علیه رژیم سرکوبگر و زن ستیز جمهوری اسلامی خواهد گشود. ■



خانواده در بین جوانان شده بلکه با در هم پاشی و نابودی هزاران هزار خانواده و رشد بی سابقه بیماریهای اجتماعی نظیر فحشاء و اعتیاد و... گشته است. رژیمی دم از "فداست خانواده" می زند و ظاهرا برای "بالا رفتن سن ازدواج و رشد طلاق" اشک تمساح می ریزد که اصولا در تمام طول حاکمیت ننگین خویش یک لحظه از آماج قراردادن و دخالت در خصوصی ترین زوایای زندگی توده های تحت ستم و بویژه زنان باز نمانده و هر جا که منافع طبقه و نظام ضد خلقی حاکم یعنی سرمایه داری وابسته ایجاد نموده با تصویب و عملی کردن قوانین سرکوبگرانه و ضد مردمی، خانواده های محروم را مورد تعدی قرار داده است. رژیمی دم از "فداست خانواده" می زند و می کوشد تا گسترش و اعمال آپارتاید جنسی در محیط دانشگاه ها را "دفاع" از خانواده جایزند که تحت حاکمیت جهمی آن حد اقل ۶۰۰ هزار زن محروم تنها در تهران مجبورند تا برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان به فحشاء روی بیاورند و هر روز نیز بر تعداد آنها افزوده می گردد.

واقعیت این است که در چند دهه اخیر رشد روزافزون مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران و نیازهای این نظام ضد خلقی برای استثمار شدیدتر و تامین نیروی کار ارزانتر(بویژه با توجه به کشته شدن صد هাজার تن از مردان در جبهه های جنگ ضد خلقی ایران و عراق) باعث تشدید روند کنده شدن اجباری زنان از چهارچوب محیط خانه و شرکت هر چه وسیعتر زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و آموزشی شده است به شکلی که هم اکنون طبق آمار رسمی، زنان، سرپرست و نان آور حداقل بیش از یک میلیون خانواده اکثرا محروم و فقیر در ایران هستند. و درصد بالایی از فارغ التحصیلان دانشگاهی که هر ساله وارد بازار کار می گردند را نیز زنان تشکیل می دهند. از سوی دیگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مقابله با بحران اقتصادی مزمن و وحشتناک نظام امپریالیستی، برای حفظ سود آوری و تامین منافع غارتگرانه سرمایه داران و امپریالیستها در تمام طول حاکمیت خویش کوشیده است تا بار خانه خراب کن بحران اقتصادی نظام را بر دوش کارگران و توده های ستمدیده سرریز سازد. درست در این عرصه است که ما شاهد آن هستیم که چگونه این

نمایندگان رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی با ارائه دوباره طرح "سهمیه بندی جنسی" در امر پذیرش داوطلبین ورود به دانشگاه های کشور مترصد قانونی ساختن اعمال شدیدتر تبعیض جنسی در عرصه آموزش و سازمان دادن یورش ضد خلقی دیگری به حقوق زنان در کشور می باشند. مطابق این طرح ضد خلقی، سردمداران رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی با توجه به واقعیت رشد روز افزون ورود زنان به دانشگاه های کشور در صددند تا با اعمال محدودیت (تاسقف ۵۰ درصد در برخی رشته ها) در رابطه با شمارزانی که با کوشش خودبه دانشگاه ها راه می یابند، در حقیقت از تعداد دانشجویان زن در دانشگاه ها بکاهند. امری که در چهارچوب نظام ضد خلقی حاکم به معنای اعمال فشارهای جدید بر زندگی زنانی است که در شرایط طاقت فرسای کنونی در جمهوری اسلامی حتی بدون این قانون ضد خلقی تحت شدیدترین محدودیت ها و فشارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی قرار دارند. تلاش برای قانونی ساختن این طرح ضد خلقی در شرایطی تشدید شده است که در سالهای اخیر با سرعت زیاد بر تعداد دختران و زنانی اضافه گشته که با گذشتن از تمامی موانع زن ستیزانه و ضد مردمی دستگاه آموزشی جمهوری اسلامی (ازکنکور گرفته تا پروسه های تحقیق و تایید صلاحیت مذهبی و فردی توسط دستگاه های اطلاعاتی و ..) وارد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شده و در جهت رشد آگاهی و استعدادهای خود کوشیده اند و در محیط دانشگاه فرصتی را برای گسترش فعالیت و شرکت موثرتر در مبارزات اجتماعی برای کسب حقوق پایمال شده خویش یافته اند. تا جایی که بنا به آمار رسمی در سال ۱۳۸۲ حتی در برخی رشته ها بیش از ۷۰ درصد از دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاه ها را دختران تشکیل می دادند و هم اکنون نیز داوطلبین زن شرکت کننده در کنکور ۶۱ درصد کل داوطلبین را تشکیل می دهد. در همین رابطه کارگزاران مرتجع حامی طرح تبعیض جنسی در دانشگاه ها با عنوان ساختن مهملاتی همچون "بالا رفتن سن ازدواج و رشد طلاق"، "شکسته شدن فداست خانواده !!!" و باصطلاح جلوگیری از ازدیاد "بیکاری" در بین مردان کوشیده اند تا این تهاجم زن ستیزانه جدید را همچون تاکتیک همیشگی در جمهوری اسلامی با لفافه های "مذهبی" و فریبکارانه پوشانند. در حالیکه کیست که نداند عامل اصلی ناهنجاریهای اجتماعی در جامعه و در سطح خانواده، همین رژیم سرکوبگر و ضد خلقی است که در تمام طول ۲۸ سال حاکمیت منحوس خویش با اعمال دیکتاتوری عریان در حفاظت از نظام سرمایه داری وابسته، با تشدید غارت و چپاول کارگران و توده های ستمدیده، با بیکار سازیهای وسیع کارگران و کارمندان (که بخش قابل توجهی از آنان را زنان تشکیل می دهند)، با رشد فقر و بیکاری و گرانی و تورم، مانع از ازدواج و تشکیل



## اخباری از درگیری های مسلحانه در کردستان. زاهدان و سمیرم

در ماه های اخیر بر ابعاد درگیریهای مسلحانه بر علیه دستگاه های سرکوب رژیم در گوشه و کنار کشور افزوده شده است. در اواخر دی ماه جاری یکی از مزدوران بسیجی رژیم که در پادگان "امام علی" این شهر به انجام وظایف ضد خلقی خویش مشغول بوده در منطقه "حاجی آباد" سنندج، توسط دوفرد مسلح مورد حمله قرار گرفته و با شلیک چند گلوله از سلاح کمری نخست زخمی شده و سپس به هلاکت رسید. مهاجمان در حالیکه سر و صورت خود را پوشانده و لباس کردی بر تن داشته اند مزدور بسیجی را مورد حمله قرار داده و پس از ترور او بسرعت صحنه را ترک کردند. به گزارش خبرگزاریهای حکومتی مقامات رژیم در سنندج در رابطه با این حادثه پرونده ای را با نام "ترور" تشکیل داده و به تلاش برای شناسایی مهاجمین پرداختند.

در زاهدان نیز در تاریخ پنج شنبه شب، ۱۲ بهمن ماه یک واحد گشت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، توسط دوخودروی حامل افراد مسلح در پشت چراغ قرمز تقاطع خیابان بزرگمهر و خیابان معلم زاهدان محاصره شده و مهاجمین پس از به رگبار بستن مزدوران رژیم آنها را به قتل رسانده و صحنه را ترک کردند. در جریان این عملیات به گزارش دستگاه های خبری حکومت، سرهنگ شیوک، از مسئولین ستاد منطقه ای انتظامی استان به همراه ستوان خواجه راننده خود رو و ۲ سرباز وظیفه محافظ او کشته شدند.

روز نهم بهمن ماه نیز به گزارش خبرگزاری رژیم در محور آباء- سمیرم استان اصفهان مامورین سرکوبگر جمهوری اسلامی به یک خود روی وانت مزدا مشکوک شده و در صدد متوقف کردن آن بر آمدند. اما سرنشینان وانت از جنگ مامورین گریخته و در ادامه با مزدوران حکومت که به تعقیب آنها پرداخته بودند درگیر شده و با شلیک گلوله یکی از آنها را به قتل رساندند. در جریان تعقیب و گریز مهاجمین مسلح با مزدوران رژیم، آنها بار دیگر در یک مرغداری در اطراف شهر سمیرم با مامورین حکومتی درگیر شده و سپس با عقب نشینی به کوه های اطراف شهر بار دیگر در صبح روز بعد مورد حمله گسترده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی قرار گرفتند که این بار با تمام تجهیزات و با استفاده از هلی کوپتر به افراد مسلح هجوم بردند. در جریان درگیریهای شدید در این روز به ادعای مقامات رژیم ۴ فرد مسلح کشته شده و مقادیری سلاح و مهمات جنگی از

آنان کشف شد. در این درگیریها ۱۰ تن از مزدوران حکومت نیز کشته شدند و تعداد زیادی از مزدوران بسیجی حکومت نیز زخمی گشتند. در میان کشته شدگان رژیم نام رییس کلانتری ۱۱ شهرستان سمیرم، و مسئول واحد اطلاعات ضد خلقی نیروی انتظامی نیز به چشم می خورد. این درگیری ۱۸ ساعت طول کشید و دستگاه های خبری جمهوری اسلامی کوشیدند تا هویت افراد مسلح را "قاچاقچیان مواد مخدر" که "در ارتباط با باندهای مواد مخدر در خارج از کشور" می باشند جا بزنند. شدت این درگیریها به حدی بود که مقامات رژیم از آن به عنوان "عاشورای خونین" نام برده و ۲ روز در شهر سمیرم اعلام عزای عمومی کردند.

### یک پناهجوی محروم ایرانی خود را در مالزی به آتش کشید!

در اواخر ژانویه سال جاری، سیاستهای ضد پناهندگی "دفتر ویژه آوارگان و پناهندگان سازمان ملل"، این بار در مالزی، یک قربانی جدید گرفت و یک پناهجوی بیگانه را بگام مرگ فرستاد. در جریان این حادثه جانگداز، غلامحسین انوری، پناهجوی ۵۰ ساله ایرانی که با هزاران بدبختی و رنج از جهنم جمهوری اسلامی گریخته و خود را به دفتر سازمان ملل در کوالالامپور مالزی رسانیده بود، پس از مراجعات مکرر و بی نتیجه به دفتر این سازمان، پیکر خود را به آتش کشید. پیکر او به بیمارستان منتقل شد و ۴ روز بعد نیز وی به علت شدت سوختگی در گذشت. غلام حسین این عمل را در اوج درماندگی و در شرایطی انجام داد که مقامات دفتر سازمان ملل در پایتخت مالزی بدون رسیدگی عادلانه به پرونده او، درخواست پناهندگی وی را با ادعای "عدم وجود شواهد کافی" برای اثبات این امر که جانش در ایران در خطر است، رد کرده بودند. پناهجوی مزبور با نوشتن یک نامه چند صفحه ای به روزنامه های محلی و توضیح وضع نابسامان خویش و عدم توجه مسئولین دفتر سازمان ملل، خود را به جلوی دفتر این سازمان رسانیده و در مقابل چشمان عابرین وحشتزده، باریختن بنزین بر سر خود، پیکرش را به آتش کشید.

مرگ فجیع این پناهجوی ایرانی تاجر و خشم مردم را برانگیخت و جلوه ای دیگر از جنایات روزمره ای را به نمایش گذارد که سالهاست بدلیل حاکمیت ضد خلقی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و سیاستهای پناهنده ستیزانه مراجعی

نظیر دفتر آوارگان سازمان ملل در حق مردم محروم و بجان آمده ایران اتفاق می افتد.



غلامحسین انوری در میان شعله های آتش!

### "پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

